

بررسی افول صنایع داخلی ایران در عصر قاجار؛ با تکیه بر مندرجات روزنامه

«حبل المتین کلکته»

شیرین شریفی^۱

چکیده

عصر قاجار در ایران، همزمان با انقلاب صنعتی در اروپا بود؛ اما در ایران هنوز تولید صنایع، غالباً دستی و محدود بود که اغلب نیاز مناطق پیرامون را برآورده می‌ساخت؛ بنابراین ایران بازار مناسبی برای کالاهای بیگانه محسوب می‌شد. در این رهگذر حکومت با دادن امتیازات ناعادلانه به دولت‌های روس و انگلیس دروازه‌های ایران را با وسعت هرچه تمام‌تر به روی واردات اجناس خارجی گشود. نرخ ارزان و فراوانی امتعه خارجی، کمر صنایع داخلی را شکست. عوامل داخلی، مانند: نبود مهارت‌ها و فنون صنعتی، مراکز آموزش، وسایل پیشرفته صنعتی و سرمایه‌گذاری در این شاخه اقتصادی، رکود صنایع ملی ایران را تحقق بخشید.

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است؛ مبانی نظری پژوهش به روش کتابخانه‌ای و منبع اصلی آن مندرجات روزنامه «حبل‌المتین کلکته» است. یافته‌های پژوهش، مکتوبات و گزارش‌های روزنامه، حاکی از آن است که صنایع کهن ایران به دلیل عوامل داخلی و خارجی رو به افول بوده و در این امر، عوامل داخلی علت و عوامل خارجی معلول آن بودند.

واژگان کلیدی: افول، صنایع داخلی، رقابت، روزنامه «حبل‌المتین کلکته».

۱. گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مسئول مکاتبه: sh_sharifi4747@yahoo.com

تاریخ ورود: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۴

Investigation of Decline of Domestic Industries of Iran in Qajar Period Relying on Contents of "Hable al-Matin Kolkata" Newspaper

Shirin Sharifi¹

Abstract

The Qajar period in Iran was in parallel with the industrial revolution in Europe, but in Iran, the industries were often hand-held and limited, which often met the needs of the surrounding areas, so Iran was considered a suitable market for foreign goods. In this process, the government, by giving unfair privileges to the governments of Russia and the United Kingdom, opened the gates of Iran fully of importing foreign goods. The cheap rate and the abundance of foreign goods broke the back of the domestic industries. Internal factors such as the lack of industrial skills and techniques, training centers, advanced industrial equipment and investment in this economic branch, have realized Iran's national industries stagnation.

The present research is a descriptive-analytical study. Theoretical foundations of the research are based on library method and its main source is the contents of the "Hable al-Matin Kolkata" Newspaper. Research Findings, Journal papers and reports indicate that the ancient industries of Iran were declining due to internal and external factors, in which internal factors were causes and external factors were effects.

Keywords: decline, domestic industries, competition, "Hable al-Matin Kolkata" Newspaper

¹ . Department of History, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Corresponding author: sh_sharifi4747@yahoo.com

مقدمه

همواره تعاریف فراوانی دربارهٔ واژه «صنعت» به کار برده شده است. براساس یکی از این توضیحات، صنعت عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی است که هدفش سازندگی است و از استخراج و ترکیب یا تبدیل مواد اولیه، محصول جدیدی را به وجود می‌آورد (صداقت کیش، ۱۳۵۲: ۹).

ریشه فعالیت‌های صنعتی در ایران پس از اسلام به قرون شانزدهم و هفدهم میلادی که مقارن با حاکمیت سلسله صفویه بود، باز می‌گردد. در این دوران تولیدات صنعتی به مرحله تولید و پیشه‌وری و کارخانه‌ای ارتقاء یافته بود. در عصر قاجار، صنایع دستی و تولید پیشه‌وری تا هنگامی که پای دول بیگانه به ایران باز نشده بود، تأمین کننده نیازهای داخلی بود؛ اما پس از شکست ایران در جنگ با روسیه و انعقاد قرارداد گلستان در سال ۱۲۲۸ هـ. ق و ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ هـ. ق و قرارداد پاریس ۱۲۷۳ هـ. ق با انگلیس، استقلال سیاسی - اقتصادی و گمرکی ایران از دست رفت. در این هنگام اروپا به قدرت سیاسی و اقتصادی عظیمی تبدیل شده و بازارهای جهانی را به زیرسلطه خود درآورد. در پی آن کالاهای ارزان قیمت خارجی با کیفیت مرغوب‌تری بازار ایران را از دست بازرگانان و پیشه‌وران داخلی ربودند.

با سرعت گرفتن روند تجددگرایی و رشد نرخ تقاضای کالاهای تزئینی متنوع، محصولات ایرانی دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه نبود و شرایط را برای ورود کالاهای غیرضروری مساعد می‌ساخت. اگر چه واردات خارجی، موجبات نابودی بسیاری از صنایع ایران را فراهم ساخت؛ اما سرمایه خارجی تا حدی متعهد بهبود و پیدایش برخی صنایع نوین گشت. تدابیر تعدیل کننده دولت ایران در برابر سیل ورود اقلام خارجی، شامل صیانت از تجارت، اقدام در جهت «خریداری محصولات ایرانی» و اشاعه فناوری‌های اروپایی و مدرن در راستای تولید می‌شد؛ اما تمامی این سیاست‌ها و مداخلات فنی در کسب غایت مطلوب و توقف موج واردات اروپایی با شکست رو به رو شد.

هدف اصلی این پژوهش، آن است که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی با استناد به مندرجات «روزنامه حبل‌المتین کلکته»، که در عصر قاجار به مدت قریب به چهار دهه در کلکته هندوستان به چاپ می‌رسید، جایگاه صنایع داخلی را در اقتصاد ایران در این مقطع تاریخی بررسی نماید. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که صنعت ایران در عصر قاجار در چه موقعیت و وضعیتی بوده است؟ فرضیه پژوهش بر فرایند رو به زوال صنایع کهن و قدیمی ایران در زمان یاد شده تأکید دارد. در فرایند پژوهش با توجه به شواهد عینی که در روزنامه‌ای معتبر و شناخته شده به چاپ رسیده است، به منابعی چون رویارویی ایران در این دوره با کشورهای صنعتی برای اولین بار، ناتوانی رقابت تولیدات ایرانی با کالاهای وارداتی، نبود حمایت و پشتیبانی کافی، وافی و جدی حکومت، فقدان پیشرفت تکنولوژی و عوامل تأثیرگذار دیگر در افول این نوع صنایع پرداخته شده است.

باتوجه به اهمیت صنعت در تاریخ اقتصاد ایران، تاکنون نویسندگان متعددی در کتب خود به شکل مباحث اصلی و فرعی به این موضوع پرداخته‌اند؛ از آن جا که حوزه زمانی تحقیق نگارنده در زمان قاجار است، تلاش شده است به منابعی پرداخته شود که نقطه کانونی خود را به این دوره اختصاص داده‌اند. چندین مقاله در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است که هر یک از آنها به گونه‌ای به صنعت ایران و چگونگی ساز و کار آن در عصر قاجار پرداخته‌اند. این مقالات عبارتند از: نهضت کارخانه سازی و پیامدهای آن در دوره قاجار (زندیه و ثقفی، ۱۳۹۵)؛ نساجی در عصر قاجار: تولید و تجارت پارچه (طالب پور، ۱۳۹۱)؛ شالبافی در جامعه ایران؛ بررسی تحولات تجارت شال در عصر قاجار (شعبانی مقدم و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵) و تلاش‌های دوران قاجار برای تولید شیشه در ایران (خانپور و آشوری: ۱۳۹۱). نوآوری و اهمیت مقاله پیش رو، در انتخاب منبع مطالعاتی و در درجه دوم موضوع آن است؛ زیرا که شناخت تاریخی، گامی اجتناب ناپذیر برای پیش‌بینی حرکت پدیده‌ها در آینده می‌باشد. امروزه محصولات صنعتی ملی ایران با ورود کالاهای ارزان قیمت خارجی، نبود حمایت در ابعاد مختلف و عدم سرمایه‌داران بزرگ، روز به روز به رکود و ورشکستگی نزدیک می‌شود؛ بنابراین بررسی، شناخت و ارزیابی

شرایط کنونی و دلایل عدم توفیق صنایع ایرانی، مستلزم بررسی و تحلیل دقیق روند این ماجرا در زمان گذشته است. هم‌چنین باید اذعان داشت، گرچه صنعت ملی ایران در گذشته مورد مطالعه و تحقیق بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است؛ اما پژوهشگر، این مسئله را از زاویه‌ای دیگر مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. انعکاس نوشته‌های شاهدان عینی و حافظه جمعی، در آن روزگار در روزنامه‌های معتبر و پرمحتوا در خارج کشور، برگ زرین دیگری در جمع‌آوری، تحلیل، پردازش اطلاعات و نتیجه‌گیری صحیح و دقیق در رابطه با این موضوع است.

روزنامه جبل‌المتین کلکته

جبل‌المتین کلکته، از بزرگترین و مهم‌ترین نشریات فارسی زبان در هندوستان بود که قریب به چهل سال با مشکلات و کاستی‌های فراوان و تهدیدهای داخلی و خارجی، هر هفته یک بار انتشار می‌یافت. این روزنامه به چهار زبان فارسی، انگلیسی، گجراتی و اردو منتشر می‌شد. اولین شماره آن در تاریخ دهم جمادی الثانی (۱۳۱۱ ق / ۱۸۹۳ م) در کلکته چاپ و توزیع شد و تا پانز (۱۳۴۹ ق / ۱۳۹۰ م) ادامه داشت (براون، ۱۳۸۶: ۴۵۴). سیدجمال‌الدین حسینی، ملقب به مؤیدالاسلام^۱ بنا بر روایتی با تشویق و ترغیب سیدجمال‌الدین اسدآبادی اقدام به نشر روزنامه نمود (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۵۷). آگاهی و احاطه دست اندرکاران روزنامه بر علوم و فنون گوناگون و حوادث جهانی؛ سبب درج مقالات جذاب و خواندنی می‌شد. مؤیدالاسلام، مشکلات حکومت و ملت را با قلمی تند و بی‌پروا و گاه محافظه‌کارانه، پیش روی خوانندگان قرار می‌داد. تحلیل‌های وی از اوضاع ایران و ارائه راهکارهای دلسوزانه در مقالات متعدد او انعکاس می‌یافت. بسیاری از متون و نوشته‌های این جریده، بیانگر اوضاع اقتصادی مردمان آن روزگار است که از زبان بسیاری از شاهدان عینی و با نگاهی کارشناسانه نگاشته شده

۱. در سال ۱۳۱۶ هـ. ق، مظفرالدین شاه قاجار او را ملقب به مؤیدالاسلام کرد. (نک: پروین، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۰۵).

است. از همین رهگذر، برای درک دقیق‌تر و فهم بهتر موضوع مورد پژوهش، رجوع به این هفته‌نامه و تحلیل و بررسی محتوای مقالات، ما را به نتایج مفیدتر و وسیع‌تری رهنمون می‌گردد.

۱. بررسی وضعیت صنایع داخلی در عصر قاجار

در هر سرزمین و در هر مکانی استعدادهای ذاتی، برای رشد انواع صنایع وجود دارد که دانش بهره‌برداری از آن و تلاش در پرورش آن، زمینه‌های مناسب و نتیجه مطلوب را به دست خواهد آورد. سرزمین ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. در بسیاری از شهرهای ایران از دیرباز فعالیت در نوعی خاص از صنعت رواج داشت و بسیاری از افراد از این راه امرار معاش می‌کردند.

ریشه فعالیت‌های صنعتی در ایران پس از اسلام به سلسله صفویه باز می‌گردد. در این دوران تولیدات صنعتی به مرحله تولید پیشه‌ووری و کارخانه‌ای ارتقاء یافته بود. ایران به مقیاس آن زمان کشوری صنعتی محسوب می‌گردید. کالاهای تولید شده و صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد. در واقع، در این دوران که مقارن با تغییر و تحولات سیاسی در اروپا و شکست فئودالیسم توسط سرمایه‌داری و پایان حاکمیت قرون وسطا بود، نطفه صنعت در ایران بسته شد و بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، نتوانست رشد چندانی داشته باشد (صیامی، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۸). پس از دوران کوتاه و گذار از سلسله‌های افشاریه و زندیه، با برقراری خاندان قاجار که موجب امنیت بیشتر داخلی گشت، صنایع ایران، به خصوص، پارچه بافی و بازرگانی رونق یافت، اما بسیاری از صنایع و تولیدات آن، تنها برای مصرف داخلی بود و تبادل کالا به شکل چشمگیر آن بین ایران و سایر کشورها مشاهده نمی‌شد (فلور، صنایع کهن در دوره قاجار، ۱۳۹۳: ۲۷).

ایران پس از یک دوره انزوای نسبی، یک باره بر اثر هزیمت‌های خفت‌باری که در برابر روسیه در دو جنگ (۱۸۱۲-۲۴ م و ۱۸۲۶-۲۸ م) متحمل شد، هشیار گشت؛ در این میان، تنها تعداد معدودی از افراد در تلاش بودند که از این تجربه چیزی بیاموزند. نخستین حرکت اصلاحاتی، در واقع مربوط به عباس میرزا و اطرافیانش

می‌شد. پس از وی از پیشروترین و مشهورترین چهره‌های ماندگار در این تلاش - هرچند کم فرجام - امیرکبیر بود که شرح اقدامات وی، برای هیچ ایرانی فرهیخته‌ای ناآشنا نیست (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۷۸-۳۹۶). درهای بدبختی هنگامی بر ایران گشوده شد که به سبب معاهده ترکمانچای، ۵ درصد از روی نرخ کالا برای همه واردات اروپایی عوارض تعیین کرده بود و دولت وسایل قانونی برای ایجاد سدهای بازرگانی نداشت. واردات اروپایی مانند بهمنی واقعی درآمد و صنعتگران داخلی را به مبارزه‌ای نابرابر طلبید. روابط نابرابر اقتصادی - تجاری به وجود آمده، تنها دلیل آسیب‌رسانی به صنعت‌کاران ایرانی نبود؛ زیرا فقدان توانایی رقابت صنعت ایران، ریشه عمیقی در داخل سرزمین ایران داشت. از حکومت، انتظار می‌رفت حمایت جدی‌تری در این اوضاع از صنعت و صنعتگران داخلی از خود نشان دهد و بسیاری از موانع داخلی را به همیاری سرمایه‌داران و متخصصین از سر راه بردارد؛ اما این انتظار برآورده نشد.

روزنامه حبل‌المتین به بسیاری از این عوامل به شکل صریح و آشکار، اشاره کرده و در مواردی راه حل‌هایی را نیز ارائه داده است که در این مقاله از دیدگاه این روزنامه به آنها می‌پردازیم:

۱-۱. فقدان تکنولوژی و فن‌آوری در تولید محصولات صنعتی

در اوایل دوره قاجار، صنعت، محدود به صنایع دستی بود که هر چند قابل قیاس با دول اروپایی نبود اما قسمت اعظم و احتیاجات داخلی را برآورده می‌ساخت. اکثریت مردم، احتیاجات زندگی خود را از محصولات وطن تأمین می‌کردند و استفاده از وسایل لوکس، مختص طبقه درباری متجدد بود. صنعتگران تولیدکننده، اجزای لازم برای فرآورده‌های کار خویش را دارا بودند. بدوی بودن تقسیم کار، استفاده از ماشین را در تولید ضروری نمی‌ساخت. درجه و مهارت فرد، درجه تولید را مشخص می‌ساخت و گرچه صنعتگر، کالای چشمگیری تولید می‌کرد؛ اما به جهت هزینه بالای اجتماعی باید به قیمت‌های بسیار گزاف فروخته می‌شد که قابلیت رقابت آن‌ها را در تقابل با فرآورده‌های تولید شده به ماشین کاهش می‌داد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۰۷-۳۰۸). بنابر نوشته‌ای در روزنامه، شش هزار

نفر بچه و بزرگ در کارخانه‌های شَعْرَبافی در یزد مشغول به کار بودند و در سال، هشت میلیون ذرع پارچه ابریشمی و انواع پارچه‌های دیگر تولید می‌کردند (حبل‌المتین، ۴ ذی حجه ۱۳۱۳: ۱۳). با یک حساب ساده، می‌توان پی برد که به ازای هر نفر در سال حدود سیزده ذرع پارچه تولید می‌شد؛ در حالی که در همان روزگار در کشورهای صنعتی با همین تعداد نیروی انسانی، تولید چندین برابر بود.

بنابر عقیده روزنامه، عمده رواج یک کالا به ارزان تمام کردن آن بود و پیشرفت صنایع اروپا را به دلیل ماشینی بودن و استفاده از ماشین آلات تصور می‌کرد که در پایان، منتج به کالاهای انبوه و ارزان می‌شد (حبل‌المتین، بی تا ۱۳۳۴: ۱۱). به جرأت می‌توان گفت که درک عمیق نویسندگان روزنامه از مزایای فن‌آوری، حتی در زمانه کنونی مایه تحسین است، زیرا امروزه نیز بعضی از صنایع ما، به دلیل گران تمام شدن، چه در وقت و چه در هزینه‌های تولید، در مقایسه با کالاهای ماشینی دارای قیمت مناسبی نیست و در ردیف کالاهای تجملی محسوب می‌شود که توان بسیاری از مشتریان برای مطالبه این گونه کالاها کفاف نمی‌دهد. با عنایت به این امر که فن‌آوری را می‌توان: مجموعه اطلاعات، مهارت‌ها، روش‌ها و ابزارهای لازم برای ساختن، به کار گرفتن و تهیه کالاهای مفید دانست؛ بنابراین حبل‌المتین علم آموزی صنایع را یکی از مهم‌ترین راه‌های گریز از سراشیبی سقوط می‌پندارد و در این راستا سعی می‌کند، اطلاعاتی از دیگر سرزمین‌ها در دسترس ایرانیان قرار دهد.^۱

از مشکلات دیگر، در این زمینه، نبود مربیان لایق جهت تعلیم صناعات بود (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۰: ۱۶). حتی افرادی هم که در فرنگ دانش‌هایی آموخته بودند کارآیی لازم را نداشتند؛ اگر فرض کنیم، بسیاری از این فرنگ‌رفتگان از طبقه اجتماعی اشراف و بزرگان بودند، بنابراین با عنایتی به فرهنگ آن روزگار، هنوز دست بردن در صنعت را چندان سازگار با شأن خویش نمی‌دانستند. نمونه‌ای از این اندیشه در این مکتوب

۱. به عنوان نمونه، راجع به روغن آفتابگردان و صنعت صابون سازی و روغن کشی در آمریکا، همراه با دادن اطلاعات، سرزمین ایران رانیز مستعد چنین صنعتی دانسته و ایرانیان راتشویق به آموختن زراعت و صنعت این ماده می‌کرد (روزنامه حبل‌المتین، ۱۷ شوال ۱۳۱۴، ۲۱۶).

منعکس شده است: «... اگر تاجرزاده را بگویند که تو با این ذکاوت و ادراک خوب است، مثلاً یک آله جرثقیل درست کنی، یا آنکه یک چرخ (بایسیکل) درست نمایی ... خواهد گفت که من آهنگر نیستم و اینها کار آهنگران است ...» (حبل‌المتین، ۸ ربیع الاول ۱۳۱۷: ۴۱۷). آموزش سنتی و فراگیر، در پیشرفت صنایع داخلی، قابل توجه و با ارزش بود؛ اما به نظر می‌رسد کسب علم و صنایع از اهالی اروپا که پله‌های ترقی را به سرعت طی می‌کردند، لازم و اجتناب‌ناپذیر بود؛ زیرا در غیر این صورت، رقابت با سیل هجوم کالاهای اروپایی میسر نبود. حتی برخی بر این باور بودند: «... اگر صرف نظر از آنها نمایم زندگی بر ما مشکل می‌شود، از خود صنایعی نداریم، از هر جهت به آنها احتیاج داریم ... به هر کاری و عملی که دست بزنیم، بدون لوازم ممکن نمی‌شود؛ لوازم همه باید از فرنگ بیاید ...» (حبل‌المتین، ۲۹ رجب ۱۳۲۲: ۱۳). اندیشه گران روزنامه حتی پیشنهاد می‌دادند از متخصصین نساجی زرتشتی در هند برای آموزش دعوت به عمل آید گرچه هرگز این‌گونه اعمال برای ایرانیان آشنا نبود (حبل‌المتین، ۲ شوال ۱۳۲۴: ۱۳).

۲-۱. ضرورت ایجاد مدارس علوم و فنون

آموزش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی هر جامعه است و انسان به دنبال توسعه، نیازمند تخصص‌های تازه‌ای است و برای این کار، باید آموزش‌های تخصصی ویژه و مناسب توسعه‌ای داشته باشد (صیامی، ۱۳۹۰: ۴۵). اولین نیاز به آموزش علوم و فنون در جنگ‌های ایران و روسیه احساس شد. هنگامی که ایرانیان پی بردند در به کار بردن سلاح‌های پیشرفته، بسیار عقب مانده و به علوم و فنون یادگیری آن نیازمند می‌باشند. عباس میرزا در این مسیر، تلاش‌های شایسته‌ای انجام داد و امیرکبیر سر این رشته را بعدها با تفکر و احداث مدرسه دارالفنون ادامه داد، اما اقدام وی پس از او از پویایی ارزشمندی برخوردار نشد. اکنون با ورود ایران به جهان صنعتی، ضرورت آموزش و در پی آن ایجاد مکان‌ها و افرادی برای تعلیم، احساس می‌شود. سیسموندی از اقتصاددانان برجسته جهان می‌نویسد: «اگر مملکتی در شمار غنای خود، علوم و صنایع نمی‌داند لامحاله باید علما و صنعتگران را داخل نماید ... چه از

علمی که دارند و امتیازی که پیدا کرده‌اند، وجودشان لزومی عظیم بهم رسانیده است» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۳۸). بدایع نگار نیز در «کتابچه مداخل و مخارج» تغییری چون سیسموندی دارد و از اولیای ایران می‌خواهد که به وسیله روزنامه «اعلان نامه» در کشورهای اروپایی از «صاحبان حرف و صنایع» دعوت به عمل بیاورند تا به ایران آمده و صنعت و حرفه خود را در مملکت ایران انتشار دهند (همان: ۲۴۶). دست اندرکاران حبل‌المتین نیز برون رفت از ذلت بزرگ وابستگی را، فراگیری صنایع رایج و جدید می‌پنداشتند، زیرا «... طبیعت بنی نوع بشر به اشیاء جدید راغب است...» (حبل‌المتین، ۲۹ صفر ۱۳۱۴: ۸). حتی در این میان از نظر جامعه‌شناسی استعمارگران ورود کرده و اختراعات جدید اقوام متمدن را جهت محتاج ساختن اقوام ضعیف می‌داند (همان جا). این نکته بینی را هم بدایع نگار در رساله ذکر شده خود می‌آورد که اروپاییان فقط با حيله و تزویر پشت و روی دنیا را مالک نشده‌اند، بلکه صناعات عالی و اختراعات تعجب برانگیز آنان در این امر دخیل بوده است (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۴۶). ورود اجناس فنی خارجی، مشکل دیگری را در بر داشت؛ زیرا ایرانیان قدرت تعمیر و نگهداری بسیاری از این وسایل را نداشتند. با وجودی که صنعت کشتی سازی ایران در قهقرا بود و از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، با این وجود هیچ گونه آموزشی جهت تعمیر کشتی نیز نبود و کشتی‌های ایرانی جهت تعمیر، بارها و بارها به بمبئی فرستاده می‌شدند (حبل‌المتین، ۸ صفر ۱۳۱۹: ۱۱).

اگر نگاهی به احصاء کتب و رسالات آن دوران بیندازیم، به راحتی می‌توان درک نمود که بیشترین علوم، به موضوعات مذهبی اختصاص داده می‌شد و در بسیاری مواقع در این راه افراط می‌شد. از عالمان مذهبی انتقاد می‌شد که علم را فقط به مسائل شرعی و وظیفه و تکلیف مسلمانی خلاصه می‌کردند و مدارس را به این گونه آموزه‌ها اختصاص می‌دهند؛ زیرا احتیاج به بیگانگان، معلول نبود دانش علوم و فنون و صنایع پیشرفته بود (حبل -

المتین، ۳۰ ذی قعدة ۱۳۱۴: ۲۷). فرستادن دانشجویان به خارج (حبل‌المتین، ۲ ذی قعدة ۱۳۱۱: ۸)، فرستادن دانش‌آموختگان از کودکی در مدارس اختصاصی در هر فن از نظرات روزنامه بود.^۱

۳-۱. نبود توان رقابت کالاهای ایرانی با کالاهای خارجی

توصیف میرزا حسین خان تحویلدار از اصناف اصفهان در عهد مظفرالدین شاه سوگنامه‌ای است از اوضاع اصناف ایران در آن روزگار؛ وی ضمن برشمردن بیش از صد عنوان از حرف صنعتی، قریب به اتفاق آنان را در حال کساد توصیف می‌کند. اگر نگرشی چند سویه و عمیق به گزارش این نویسنده نکته بین بیافکنیم این امر را معلول دلایل متعددی می‌یابیم. عدم پشتیبانی حکومت، نامرغوب بودن کالا، تغییر کاربری، ورود کالاهای خارجی، ترکیب ناموزون لوازمات، صنایع مدرن و صنایع دستی از مهم‌ترین علتهاست. با وجود این، اگر ورود کالاهای خارجی چون بلای طاعون نازل نمی‌گشت شاید هنوز رونق صنایع اصفهان چون صنایع دیگر حفظ می‌شد (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۱۵-۹۳). مصنوعات دستی ایران را توان رقابت با این‌گونه اجناس نبود. روزنامه در صنعت شیشه‌سازی به این موضوع اشاره می‌کند: «... شیشه‌سازی قم تا وقتی که بلورهای شفاف از اتریش نمی‌آید به کار می‌خورد ... و کسی نگاه به شیشه‌های ناصاف قم نخواهد کرد ...»^۲ (حبل‌المتین، بی‌تا، ۱۳۳۴: ۱۱). نویسنده در جواب به گفته‌های افرادی که واژه «حس ملی» را انگیزه خرید کالاهای وطنی می‌دانند، جواب می‌دهد: «... ای کاش قدری هم به حس ملی در صدد صاف کردن شیشه برمی‌آمدیم ...» (حبل‌المتین، همان جا). از دیگر دلایل

۱. در بیشتر موارد اروپا و کشورهای متمدن سرمشق و الگوی مناسبی بودند، روزنامه ادعا می‌کرد آنان حتی برای آشپزی مدارس جداگانه دارند (نک: روزنامه حبل‌المتین، ۲ شوال ۱۳۱۳، ۱۵).

۲. در رساله‌ای با عنوان "مناظره عالم و عوام"، نام داستان حاجی عبدالکریم بلور فروش یادآوری می‌شود که کارخانه بلورسازی احداث می‌کند، اما به واسطه اینکه «... همه هجو و ناصاف بودند کسی نخرید و پانصد هزار تومان سرمایه‌اش بر باد رفت (نک: آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶، ۱۳۹-۱۳۸)؛ هم‌چنین کاغذهای تولیدی ایرانی نامرغوب گزارش شده است که ارزش صادرات نداشت (نک: فلور، صنایع کهن در دوره قاجار، ۱۳۹۳، ۳۲۷).

افزون بر به گزارش تحویلدار، تعداد کم و گران بودن اجناس بود که بازار ایران را طالب واردات خارجی می‌کرد (عین‌السلطنته، ۲، ۱۳۷۴: ۶۳۴۷). از نمونه‌های بارز آن که در حبل‌المتین عنوان شده، نفت وارداتی از هند بود که باتوجه به مخارج گمرک و غیره، از نفت تولیدی در ایران ارزان‌تر تمام می‌شد (حبل‌المتین، اول جمادی‌الثانی ۱۳۳۲: ۱۰).

تلاش‌های اروپائیان فقط به واردات کالاهای خویش محدود نمی‌شد؛ بلکه تولید اجناس مشابه با اجناس ایرانی با مطالعه در ساز و کار آن‌ها، گام دیگری بود در رسیدن به هدف. در اقدامی موفق، نماینده انگلیس، پارچه‌های یزد را به کشور خویش فرستاد که مانند و شبیه آن را بسازند تا «... بازار پارچه یزد را کساد کنند...» (حبل‌المتین، ۴ ذی حجه ۱۳۱۳: ۱۳). نگرانی نگارنده بدین جهت بود که یزد استعداد زراعی نداشت و اهالی آن از تولید پارچه ارتزاق می‌کردند و در صورت کساد بازار آن‌ها، بیست هزار نفر دچار بدبختی می‌شدند (حبل‌المتین، همان جا). بنابراین، خارجیان به راحتی می‌توانستند بازار کار را از ایرانیان سلب کنند و موجبات پریشانی و بدبختی آن‌ها را فراهم کنند. ورود مصنوعات خارجه به راحتی چشم هر بیننده را متوجه خویش می‌ساخت و بازارهای ایران را خالی از دست ساخته‌های خود ایرانیان می‌کرد (حبل‌المتین، ۲۰ صفر ۱۳۲۰: ۷). از قابل توجه ترین، صنایع دستی ایران که مبتلا به این بیماری هولناک شد و تاب و توان خویش را از دست داد، منسوجات ایرانی بود که بر زمین خورد و جای خود را به منسوجات خارجی سپرد. صنعتگران ایرانی به آسانی تسلیم نشدند و کوشیدند تا با تقلید از کارهای اروپایی و رونق دادن به تولیدات تازه با واردات اروپایی رقابت کنند (فلور، صنعتی شدن ایران، ۱۳۷۱: ۹۸)؛ اما این کوشش‌ها عقیم ماند. تحویلدار، ارزانی و بی‌دوامی منسوجات اروپایی را سرزنش می‌کند؛ اما به خواننده دلیل رونق آن‌ها را بازگو می‌کند و فریب مردم را به دلیل ارزانی آن‌ها می‌داند، به عقیده وی، این عقب

نشینی، دامن زنان نخ ریس و دیگر شغل‌های مربوط به آن را نیز می‌گرفت^۱ (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۰۱). کاشان که از مراکز مهم نساجی بود، گویا بیشترین آسیب را دیده بود؛ «... غالب به اطراف و اکناف عالم متفرق شده‌اند ... ارباب صنایع به کلی از شغل و کار دست کشیده - بی‌شغل و کسب و گرفتار دست تنگی و مسکنت ...»^۲ (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی الاول، ۱۳۲۳).

حالا باید پذیرفت که صنایع ایران، عقب مانده بود و به عقیده حبل‌المتین «... مصنوعاتی که در قرون پیش معمول بود امروزه چندان به کار نمی‌آید، بلکه قابل استعمال نیست ...» (حبل‌المتین، ۶ ذی‌حجه ۱۳۳۲: ۱۱). مصرف‌کنندگان، خواهان اجناس ظریف‌تر و لطیف‌تر بودند و راحتی و آسایش را در استفاده از آن می‌پسندیدند. گلابی می‌شد که کفشان هنوز کفش زیبا و راحت نمی‌سازند و یک چرم خوب نمی‌توانستند به عمل آورند و اصول چرم‌سازی از چند هزار سال پیش تغییری نکرده بود (همان: ۱۱-۱۰). این عقب‌ماندگی و کهنگی را به دیگر صنایع ایران نیز می‌توان تعمیم داد.

تبلیغات روزنامه در سراسر دوران انتشار خویش، جهت استفاده از کالاهای وطنی، دم‌گرمی بود بر آهن سرد بسیاری از ایرانیان، تجمل‌گرایی اشراف و فقر طبقات محروم، کالاهای خارجی را طلب می‌کرد، تا آنجا که کرزن در مشاهدات خود اذعان می‌دارد، ایرانیان اجناس منچستر تا مسکو می‌پوشند (کرزن، ج ۲، ۱۳۶۷: ۶۶۷)، و چندان این علاقه فزون بود که روزنامه تعصّب ملی ایرانیان را زیر سؤال می‌برد و با کنایه می‌نویسد: «... مقوای چین را

۱. روزنامه نیز می‌نویسد: «... ملت از آنها اعراض کردند و به رنگ و آب اجناس مغرور شدند (نک: روزنامه حبل‌المتین، ۲۰ جمادی الاول، ۱۳۲۳، ۱۵).

۲. عین السلطنه نیز بر این توصیفات صحه می‌گذارد و می‌نویسد که از چهار هزار دستگاه شعرافی، پنجاه یا ششصد عدد باقی است و شکست بزرگی به تجارت این شهر رسیده (عین السلطنه، ۸، ۱۳۷۴).

یک شاهی خریده و صنایع ژاپن را که دو غاز قیمت دارد در بازار طهران، پایتخت ایران ده برابر می‌خرند...»^۱
(حبل‌المتین، ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۲: ۸).

۱-۴. عدم پشتیبانی حکومت از صنعت کاران

در نظریه‌های توسعه یافتگی که نظریه کنش متقابل دولت و جامعه، یکی از زیر مجموعه‌های آن است، دولت‌ها به سه گروه توسعه خواه، دولت مردد و دولت کارشکن تقسیم بندی می‌شوند؛ دولت مردد با توجه به سلطه‌ای که بر جامعه دارد، به اجرای سیاست‌هایی می‌پردازد که در جهت رشد صنعت و تجارت است؛ اما این دولت به هیچ وجه، مایل به کاهش قدرت خود در برابر کل جامعه مدنی و به ویژه در برابر بورژوازی صنعتی نیست. لذا در موارد بسیاری، دولت مردد، دولت مطلق العنانی است که سیاست‌هایی را پیگیری می‌کند و در آغاز به نفع توسعه صنعتی است؛ ولی چنین دولتی قادر به پیگیری مداوم سیاست‌های توسعه خواهانه خود نیست و همین، مایه دو دلی و تناقض در عمل می‌شود (دهقان نژاد، ۱۳۷۹: ۳۸). گمان نمی‌رود هیچ پژوهشگری که در این زمینه تحقیق می‌کند، داستان غمبار آن استاد اصفهانی سماورساز را نشنیده باشد. امیرکبیر او را بناخت و چنانکه رسمش بود، سرمایه‌ای در اختیار او گذاشت تا به فن سماورسازی بپردازد.^۲ این نمونه - کمابیش - زبان حال صنعتگران ایران در آن روزگار و تعامل آنها با حکومت بود.

از سیاست‌های روشن و پیگیر روزنامه، درخواست از حکومت مبنی بر دخالت وی در مقابل واردات کالاهای خارجی و ایجاد موانع حقوقی بود و یزد نمونه بزرگی از تباهی در ارتزاق از راه صنعت بود که کالاهای وارداتی، کمر صنعتگران را شکسته بود (حبل‌المتین، ۴ ذی حجه ۱۳۱۳: ۱۳). ناکارآمدی حکومت، فقط به کوتاهی در منع ورود مصنوعات خارجی نبود. صاحبان ابتکار و اختراع در صنعت و فنون همواره در هراس بودند که امتیاز و سود

۱. هم چنین در موارد مشابه (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۲۳، ۶؛ حبل‌المتین، ۴ صفر ۱۳۲۴، ۱۷).

۲. وی به دست عمال حکومت در انظار مردم آن قدر کتک خورد تا سرمایه داده شده را پس دهد (نک: آدمیت، ۱۳۶۲، ۳۹۵).

آنها با دادن پول و رشوه به حکومت توسط افراد سودجو از چنگ آنان خارج شود (حبل‌المتین، ۲۸ ذی قعدة ۱۳۱۶: ۲۵۹). چگونه می‌شد انتظار نوآوری‌ها را، بدون حمایت مالی از افرادی که سرمایه آنها، تفکری نوآور و خلاقیت بود، داشت. سوگنامه مخترع تلمبه آب در روزنامه، ذهن آدمی را به فوریت به سوی سرنوشت همان صنعتکار اصفهانی می‌کشاند (حبل‌المتین، ۱۳ ذی حجه ۱۳۱۶: ۲۸). آیا عهد مظفری تفاوتی با پدرش داشت؟ غفلت حکام و حکومت در این زمینه قابل اغماض نبود (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۲۰: ۱۶). نویسنده‌ای دولت را در این مورد خطاب قرار داده و آگاه می‌سازد: «هرگاه دست بر روی دست گذارده، منتظر باشیم که فلان مرد که شاگرد شعرباف کرمانی [است] ماشین برقی و بخار از لندن طلب کرده را بیندازد؛ خیالیست خام، بلکه نافرجام ... خیلی دور از بصیرت است که ملت، بدون تأیید دولت، امیدوار باشد که استاد غلامحسین تفنگ ساز، چون شخص با وجودی است، کارخانه توپ کروپساز^۱ برای ما بیاورد و یا نساجی‌هایی که غالی^۲ چهل و شش هزار تومانی بافته‌اند کارخانه چلوار بافی به داخله جلب نمایند»^۳ (حبل‌المتین، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۱: ۱۲-۱۳).

سیستم لیبرالیسم (آزادی اقتصادی) که در اواخر ربع آخر قرن نوزدهم، شروع شد و ناسیونالیزم (ملی‌گرایی) که از ابتدای قرن بیستم، ادامه دهنده آن بود. هیچ یک در ایران کارنامه درخشانی را از خود به یادگار نگذاشتند. عقیده اقتصادی اندیشه‌گران روزنامه، دخالت حکومت نه به شکل دولت مدار بلکه به عنوان حامی و پشتیبان بود. حکومت‌های بعدی، مانند ناصرالدین شاه قصد نداشتند «در جنگی که شکست آن را حتمی می‌دانستند، شرکت جویند» (فلور، صنعتی شدن ایران، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

۱. صنعت توپ فولادی.

۲. املائی است از قالی و کوچکتر از قالیچه با نقش و نگار و گل و بوته.

۳. میرزا حسین خان تحویلدار نیز بسیاری از صنایع را به دلیل عدم حمایت حکومت و یا تشویق محکوم به زوال معرفی می‌کند و در اصطلاح می‌نویسد: «... دماغشان سوخت» (نک: تحویلدار، ۱۳۴۲، ۱۰۵).

سردبیر روزنامه با شگرد و درایت ویژه و همیشگی خویش، دولت مظفری را متوجه اختراعات مراسله کنندگان کرده و اظهار می‌کند: «... اگر وزیر صنایع در این خصوص اعلانی به این مضمون که صاحبان صنایع حمل عوطف ملوکانه خواهند گردید، بدهد معلوم خواهد شد که هزارها از اهل صنعت که سال‌ها در زاویه خزیده بودند بروز و ظهور خواهند نمود...» (حبل‌المتین، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳: ۲۱). ماجرای مخترع تبریزی که دستگاه مسلسل جنگی اختراع کرده بود (حبل‌المتین، ۲۷ محرم ۱۳۲۳: ۱۱)، در نشریه حبل‌المتین به موضوعی سریالی تبدیل شد که با تلاش روزنامه، مظفرالدین شاه سیصد تومان کمک مالی جهت مخارج توسط وزیر جنگ به وی اختصاص داد (حبل‌المتین، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵: ۱۵)؛ اما سنگ‌اندازی‌های رؤسای کارخانجات فشنگ‌سازی، دلیل بی‌ثمر ماندن این اختراع شناخته شد (همان‌جا). داستان اختراع مشهدی محمد جعفر یکی دیگر از نمونه‌های به یاد ماندنی در روزنامه است که با توجه به تقویم زمانی شماره‌های روزنامه، خواننده می‌تواند دریافت کند جایگاه مکانی مبتکرین در جامعه آن روزگار کجا بود.^۱ قریب به یقین در آن دوران وجود داشتند افرادی که استعداد ذاتی و همت ساخت و پرداخت بسیاری از صنایع را داشتند، اما در هر زمان این گونه افراد، نیاز به یاری و پشتیبانی مالی و خدماتی حکومت و لاقلاً متمولین رجال دولتی داشتند.

معاهدات گمرکی ناعادلانه - به خصوص در دوره مظفری - آسیب جدی دیگری بر پیکر نحیف صنعت بیمار ایران وارد می‌کرد. قرارداد گمرکی ایران و روس در سال ۱۳۱۹ ق، که در پی گرفتن وام از این کشور در سفر دوم مظفرالدین شاه بود، قرارداد گمرکی ترکمانچای را به نفع روسیه، تغییر داد و سود صدی پنج درصد را برای بازرگانان فراهم کرد. حکومت، براساس قانون «کامله الوداد» به ناچار این امتیاز را به انگلیس هم داد (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۹۱). روس به دنیای صنعت، راه یافته بود و بازاری بهتر از همسایه بدهکار او (ایران) یافت نمی‌شد.

۱. لازم به ذکر است فرد مذکور وسایلی نیز جهت نخ ریزی با سبک جدید عرضه داشت؛ اما سرانجام این اختراع نیز، چون دستگاه توپ وی بود. وی با حسرت راجع به آن می‌نویسد: «... آهن آن را زنگ خراب کرده و تخته‌هایش همه پوسیده است» (نک: روزنامه حبل‌المتین، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳، ۱۶).

جاری شدن سیل کالاهای روسی، مختصر کارگاه‌های ایرانی را از رونق انداخت. حبل‌المتین در شماره‌های پی در پی به طور مفصل به این موضوع پرداخت و حکومت و عمال آنها را درگیر نمود. در متنی پایان اسف بار صنایع ایران را به تصویر کشیده و می‌نویسد: «بالغ بر سه چهار هزار دستگاه شعربافی کاشان - تبریز - خراسان خوابیده و اساتید و کارگزاران آنها سفیل و سرگردان و گرسنه و حیران مانده‌اند. علت [را] این پنداشته‌اند که بنابر معاهده جدید گمرک از روی معاوضه باقل [به اقل] از البسه حریری ایران در خارجه، صدی هفتاد و پنج گمرک می‌خواهد. از این پی ببرید به سایر منسوجات ایرانی؛ بلی اگر وضع بدین قرار ماند یکباره هیئت اجتماعیه محو خواهد شد...» (حبل‌المتین، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۱: ۱۳). این نوشته دو سال پس از انعقاد این قرارداد است و نشان می‌دهد، چگونه این معاهده مشکلات صنعتگران کهنه ایرانی را دشوارتر ساخت. تنها تلاش حکومت، قانون منع پوشیدن البسه خارجی بود که به نظر می‌رسد، دور از منطق و راه‌گیز مناسبی نبود؛ گرچه این اقدام نیز در حد شعار و گفتار بود (همان جا).

۱-۵. کاهلی و تقلب در صنعتگران ایرانی

توسعه اقتصادی در هر جامعه نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه است. در آن روزگار با وجود باورهای سنتی از جمله اعتقاد به خیر محدود و وجود خرافه‌های مذهبی که منجر به کم‌توجهی یا بی‌توجهی کامل به زندگی دنیوی و کوشش برای تأمین زندگی مادی می‌گردید؛ زمینه‌های کاهش توجه به کار و کوشش و تولید و نهایتاً توسعه را فراهم می‌کرد. این فرهنگ به غلط تقدیر الهی و تقدیرگرایی و تسلیم در برابر خواست خداوند، تعبیر می‌شد. بخش صنعت در فعالیت‌های اقتصادی نیز از این تفکرات در امان نبود. در دیدگاه حبل‌المتین تلاش جدی در جهت مبارزه با این‌گونه تفکرات را می‌توان یافت، همواره نویسندگان و سردبیر در پی آگاه ساختن جامعه از قرائت اشتباه و درک ناصحیح مخاطبان از دنیا‌گریزی بود و اسباب خرابی ایران، عدم اشتغال به زراعت، تجارت و بالاخره صنعت بود. بیکاران سرزنش می‌شدند؛ بدین سبب که خود را به دولت بسته و ارتزاق می‌کردند

(حبل‌المتین، ۲۵ محرم ۱۳۱۸: ۳۴۳). گسترش برخی تفکرات و رفتارهای دینی ضد دنیایی، عاملی تقویت کننده در فعالیت‌های اقتصادی بود که کم و بیش در جامعه امروزی ایران نیز - هرچند کم رنگ‌تر - به چشم می‌خورد، روزنامه عقب افتادگی صنعت و تجارت ایرانیان را در عامل ذکر شده جست و جو می‌کند؛ زیرا: «... بهترین اوقات خود را در عبادت و معرفت پروردگار صرف نمایند...» (حبل‌المتین، ۲۱ رمضان ۱۳۲۰: ۱۵). البته باید در نظر داشت منظور نویسنده دین‌گریزی نبود؛ بلکه رویگردانی افراطی از دنیا و امور معیشتی بود.^۱

قدر مسلم آن است که فعالیت مادی که لازمه توسعه اقتصادی است در صورتی ریشه گرفته و رشد می‌یابد که افراد، طالب بالا بردن سطح زندگی مادی خویش باشند و رنج کار را بر فقر و تبلی ترجیح دهند (صیامی، ۱۳۹۰: ۹۶). نگاهی به اوضاع جامعه آن روزگار - به خصوص در جوامع شهری - با نظریه فوق منافات داشت. حبل‌المتین از زبان یک سیاح خارجی اوضاع تهران را چنین توصیف می‌کند: «... کارشان این است که مجالس و محافل بنشینند و سخنان بی‌فایده را محل بحث و مذاکره قرار دهند ... اهل تهران ابداً صنعت ممتازی ندارند که مخصوص به خودشان باشد...» (حبل‌المتین، ۲ رجب ۱۳۲۲: ۸). البته نظرات مخالف و وارونه نیز در مقابل این‌گونه اظهار نظرها وجود داشت. احساس مسئولیت به هنگام کار، لازمه کار صنعتی است و تولیدکننده، کار را باید به عنوان یک هدف و رسالت تلقی کند. یکی از ابعاد این رسالت عدم تقلب در کالای تولیدی است که در برخی از کالاها و صنایع از عوامل بازدارنده توسعه صنایع و ملزومات آن می‌شد. قالی بافی گرچه مقدر بود مهم‌ترین صنعت بافندگی در ایران شود (فلور، صنعتی شدن ایران، ۱۳۷۱: ۱۰۰)، اما از این آسیب دور نماند. قالی تنها کالایی بود که عرصه رقابت اروپائیان در آن مشاهده نمی‌شد (عیسوی، ۱۳۸۸: ۴۷۰). در اواخر دوره قاجار، قالی یک هشتم صادرات ایران را تشکیل می‌داد (همان: ۴۶۹). از مهم‌ترین اتفاقاتی که در این صنعت رخ داد و موجب کاهش

۱. یکی از نویسندگان در توجیه این نظریه می‌نویسد که هیچ حدیثی شرعاً آدمی را از آموختن صنعت منع نکرده و پیامبر اسلام سفارش نکرده که مسلمانان در دنیا خوار و تنبل و بی‌هنر و بیکار بمانند (نک: روزنامه حبل‌المتین، ۱۱ رجب ۱۳۱۸، ۷).

کیفیت در آن شد، ورود رنگ‌های شیمیایی به این عرصه توسط خارجی‌ان بود. در سال‌های (۱۸۸۲ م / ۱۳۰۰ ق) دولت ورود آن را ممنوع کرد؛ اما قاجاق این کالا ادامه یافت (عیسوی، ۱۳۸۸، ۴۷۱). کار فروش قالی به جایی رسید که مراسم کنندگان با اظهار نگرانی ادعا داشتند: «... حالا به سبب استعمال رنگ‌های خودشان قالیچه‌های ما را نمی‌خرند و از استعمال آن نفرت دارند...» (حبل‌المتین، ۱۴ شعبان ۱۳۱۷: ۷۷). نمود مالی داستانی جدا از قالی داشت؛ زیرا سبب منسوخ شدن آن، تقلب خود ایرانیان در لوازمات آن بود. نمود مالی در ایران حرفه‌ای کهن و بزرگ بود و به قول نگارنده‌ای، تمام اهل ایران از شاه و گدا محتاج به نمود بودند و اروپائیان شیفته گل‌های رنگارنگ؛ اما کار به جایی رسید که: «... نمود مال از نمود دزدیدند تا اینکه نمود را به عوض کرک بسیار ممتاز بی موی سر انسان و موی اسب و نمک و پشم و پنبه مالیده به این اکتفا نکرده؛ چرک صابون و ریگ نرم در جوف نمود ریخته مالیدند و بعد از یک سال رنگ و خاک باعث خوردن کرم او شد، لهذا این صنعت بزرگ ممتاز در ایران منسوخ گردید (حبل‌المتین، ۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۲: ۸).

نتیجه

براساس مندرجات روزنامه حبل‌المتین و تحلیل دیدگاه‌های نویسندگان این جریده در بررسی دلایل زوال صنایع کهن ایران در عصر قاجار به نتایج زیر دست یافته‌ایم:

- ۱- روزنامه در شرح توصیف دلایل افت صنایع کهن، رقابت و کشمکش شدید واردات اروپایی را با این‌گونه صنایع از مهم‌ترین علّت‌ها معرفی می‌کند؛ زیرا آب و تاب امتعه فرنگی، صناعت داخلی را زیر سؤال می‌برد.
- ۲- در این عقب‌نشینی، نبود فن‌آوری و علم‌آموزی از اسباب و علل برجسته می‌باشند. حبل‌المتین تأسیس مدارس فنی در کنار آموزش‌های مذهبی، دعوت از متخصصان خارجی و فرستادن افرادی با استعدادهای درخشان به سرزمین‌های پیشرفته اروپایی را راهکارهای تعدیل این مسئله معرفی می‌کند.

- ۳- این روزنامه در سال‌های متمادی تلاش نمود تا با روش‌های گوناگون، استفاده از صنایع وطنی را جایگزین استقبال مردم عادی و مرفه از کالاهای خارجی نماید و در این راه انگیزه‌های ملی‌گرایی را مدنظر داشت.
- ۴- حکومت به عنوان قوی‌ترین و قدرتمندترین نهاد در پشتیبانی از صنایع، همواره مورد توجه روزنامه بود و اغلب از رجال بلندپایه دولتی و متمولین درخواست می‌شد از صنعتگران داخلی از راه‌های سرمایه‌گذاری و تشویق، حمایت‌های لازم را به عمل آورند. در این رهگذر مبتکران و مخترعان از توجه چشمگیری توسط روزنامه برخوردار بودند.
- ۵- لبه دیگر تیغ روزنامه، متوجه ملت یا صنعتگران بود، زیرا در نگارش‌های متعدد، کاهلی و سستی آنان مورد سرزنش قرار می‌گرفت و همواره با هر زمان سرزمین‌های توسعه یافته قیاس می‌شدند. نویسندگان روزنامه در کنار عوامل فوق، تقلب در تولیدات را نیز از عوامل کاهنده ارزش صنایع داخلی بر می‌شمردند. هم‌چنین سیاست و تدبیر قانع شدن و محدود شدن به صنایع کهن را شایسته پیشرفت نمی‌دانند. در آخر باید در نظر داشت، در کنار دو عامل اقتصادی مهم - زراعت و بازرگانی - حبل‌المتین در زمانی قریب به چهار دهه از هیچ کوششی در جهت ترویج صنایع داخلی و حمایت از آن دریغ نورزید. گواهی بی‌بدیل این مدعا، چاپ و نشر صدها مقاله و سرمقاله در ارتباط با این موضوع است.

منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون، ۱۳۶۲، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
۲. آدمیت، فریدون، ناطق، هما، ۱۳۵۶، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه.
۳. اشرف، احمد، ۱۳۵۹، موانع تاریخی رشد و سرمایه‌داری در ایران در دوره قاجاریه، تهران: زمینه.

۴. براون، ادوارد، ۱۳۶۸، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
۵. پروین، ناصرالدین، ۱۳۷۷، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. پولاک، ادوارک یاکوب، ۱۳۶۷، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانمداری، تهران: خوارزمی.
۷. تحویلدار، میرزا حسین خان، ۱۳۴۲، جغرافیای اصفهان، به کوشش محمد ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. تیموری، ابراهیم، ۱۳۴۲، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال.
۹. سیف، احمد، ۱۳۷۳، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
۱۰. صداقت کیش، جمشید، ۱۳۵۲، صنایع در توسعه اقتصادی ایران، تهران: سازمان چاپ خوشه.
۱۱. صیامی، زهرا، ۱۳۹۰، چرا صنعتی نشدیم: بررسی تاریخی موانع توسعه و صنعت ایران با تکیه بر دوره قاجار، تهران: امیرکبیر.
۱۲. عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸، تاریخ اقتصادی ایران: قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
۱۳. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۴، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۸، مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۱۴. فلور، ویلم، ۱۳۹۳، صنایع کهن در دوره قاجار، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: نشر پیکره.

۱۵. فلور، ویلم، ۱۳۷۱، صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
۱۶. کرزن، جرج ناتاییل، ۱۳۶۷، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. محیط طباطبایی، محمد، ۱۳۷۵، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت.
۱۸. خانپور، آرزو، محمدتقی، آشوری، تابستان ۱۳۹۱، تلاش‌های دوران قاجار برای تولید شیشه در ایران، مطالعات تاریخ فرهنگی و پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ.
۱۹. زندیه، حسن، ثقفی، مریم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، نهضت کارخانه سازی و پیامدهای آن در دوره قاجار، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. شعبانی مقدم، عادل، مرتضی، دهقان‌نژاد، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شالبافی در جامعه ایران: بررسی تحولات تجارت شال در عصر قاجار (۱۲۰۹-۱۳۴۴ هـ)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام.
۲۱. طالب‌پور، فریده، تابستان ۱۳۹۱، نساجی در عصر قاجار: تولید و تجارت پارچه، فصلنامه گنجینه اسناد.
۲۲. دهقان‌نژاد، مرتضی، زمستان ۱۳۷۹، علل توسعه نیافتگی اقتصاد ایران در دوره قاجار، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. روزنامه جبل‌المتین، ۳ ذی‌القعده ۱۳۱۱، س اول، ش ۱۳.
۲۴. روزنامه جبل‌المتین، ۲ شوال ۱۳۱۳، س ۴، ش ۱۰.
۲۵. روزنامه جبل‌المتین، ۴ ذی‌الحجه ۱۳۱۳، س ۳، ش ۱۷.
۲۶. روزنامه جبل‌المتین، ۲۹ صفر ۱۳۱۴، س ۳، ش ۲۸.

٢٧. روزنامه جبل المتين، ١٧ شوال ١٣١٤، س ٤، ش ١٨.
٢٨. روزنامه جبل المتين، ٣٠ ذى القعدة ١٣١٦، س ٤، ش ٢٣.
٢٩. روزنامه جبل المتين، ٢٨ ذى القعدة ١٣١٦، س ٦، ش ٢٥.
٣٠. روزنامه جبل المتين، ١٣ ذى الحجه ١٣١٦، س ٦، ش ٢٦.
٣١. روزنامه جبل المتين، ٨ ربيع الاول ١٣١٧، س ٦، ش ٣٥.
٣٢. روزنامه جبل المتين، ١٤ شعبان ١٣١٧، س ٧، ش ٧.
٣٣. روزنامه جبل المتين، ٢٥ محرم ١٣١٨، س ٧، ش ٢٩.
٣٤. روزنامه جبل المتين، ٢١ شوال ١٣١٨، س ٨، ش ١٨.
٣٥. روزنامه جبل المتين، ١١ رجب ١٣١٨، س ٨، ش ٥.
٣٦. روزنامه جبل المتين، ٨ صفر ١٣١٩، س ٨، ش ٣١.
٣٧. روزنامه جبل المتين، ١٣ جمادى الاول ١٣٢٠، س ٩، ش ٤١.
٣٨. روزنامه جبل المتين، ٢٠ صفر ١٣٢٠، س ١٠، ش ٢٨.
٣٩. روزنامه جبل المتين، ٢١ رمضان ١٣٢٠، س ١٠، ش ١٢.
٤٠. روزنامه جبل المتين، ٢٥ ربيع الاول ١٣٢١، س ١٠، ش ٣٢.
٤١. روزنامه جبل المتين، ٢٨ جمادى الثانى ١٣٢١، س ١١، ش ٣.
٤٢. روزنامه جبل المتين، ٢ رجب ١٣٢٢، س ١٢، ش ٢.
٤٣. روزنامه جبل المتين، ٢٩ رجب ١٣٢٢، س ١٢، ش ٦.
٤٤. روزنامه جبل المتين، ١٥ ذى الحجه ١٣٢٢، س ١٢، ش ٢١.
٤٥. روزنامه جبل المتين، ٢٧ محرم ١٣٢٣، س ١٢، ش ٢٦.

٤٦. روزنامه جبل المتين، ٢٥ صفر ١٣٢٣، س ١٢، ش ٣٠.
٤٧. روزنامه جبل المتين، ١٦ ربيع الاول ١٣٢٣، س ١٢، ش ٣٣.
٤٨. روزنامه جبل المتين، ١٣ جمادى الاول ١٣٢٣، س ١٢، ش ٤١.
٤٩. روزنامه جبل المتين، ٢٠ جمادى الاول ١٣٢٠، س ١٢، ش ٤٢.
٥٠. روزنامه جبل المتين، ٤ صفر ١٣٢٤، س ١٣، ش ٣٠.
٥١. روزنامه جبل المتين، اول ربيع الثانى ١٣٢٤، س ١٣، ش ٣٧.
٥٢. روزنامه جبل المتين، ١٣ جمادى الاول ١٣٢٤، س ١٣، ش ٤١.
٥٣. روزنامه جبل المتين، ٢ شوال ١٣٢٤، س ١٤، ش ١٦.
٥٤. روزنامه جبل المتين، ٢٤ ذى القعدة ١٣٢٥، س ١٥، ش ١٥.
٥٥. روزنامه جبل المتين، اول جمادى الثانى ١٣٣٢، س ٢١، ش ٣٩.
٥٦. روزنامه جبل المتين، ٦ ذى الحجه ١٣٣٢، س ٢٢، ش ٢٥.
٥٧. روزنامه جبل المتين، بى تا ١٣٣٤، س ٢٤، ش ٨.
٥٨. روزنامه جبل المتين، بى تا ١٣٣٤، س ٢٤، ش ٢٤.